

تربیت الهی در دنیای دیجیتال (تأثیر زندگی دیجیتال والدین در تربیت دینی خردسالان با تکیه بر اندیشه آیت‌الله مجتبی تهرانی)

زهره خواجه‌پور^۱

چکیده

تربیت در اصل مقوله‌ای دشوار و پیچیده است و امروزه با توجه به تحولات جهانی، دغدغه تربیت فرزندان با غوامض بیشتری روبرو شده است، که این امر برای خانواده‌های متدین و دغدغه‌مند، به مسئله‌ای مبهم و گاه اضطراب‌زا بدل گشته است. اساتید فن و علمای دین، با مراجعه به متون دینی و اسلامی که برگرفته از وحی می‌باشد، ریشه‌های تربیت الهی را بیان کرده‌اند که در هر زمان و مکانی با کمی دقت و وقت گذاشتن می‌توان به آنها عمل کرد و آثار نیکوی آن را مشاهده نمود. نوشتار پیش‌رو با تکیه به گفتار و افکار یکی از فقهای برجسته و اساتید اخلاق زبردست «آیت‌الله مجتبی تهرانی» به یکی از مهمترین بخش‌های تربیتی یعنی تربیت در بستر زندگی دیجیتال می‌پردازد. در ابتدا با تبیین نظرات این عالم فرزانه، جایگاه و راهکارهای تربیت الهی بیان شده است و سپس به چالش‌های دنیای دیجیتال پرداخته شده و سعی شده است با خوشه‌چینی از بیانات آیت‌الله تهرانی راهکار و هشدارهای برای تربیت دینی در جهان دیجیتالی امروز ارائه شود.

واژگان کلیدی

تربیت، حیا، اینترنت، آیت‌الله مجتبی تهرانی.

۱- کارشناسی، حوزه علمیه

z.khajepour1996@gmail.com

مقدمه

در همه جوامع انسانی فارغ از مذهب و فرهنگ، یکی از اهداف ازدواج فرزندآوری و تولید نسل است و در این راستا، هر پدر و مادری در تلاش است تا فرزندش سالم و موفق پا به عرصه اجتماع بگذارد. به همین دلیل والدین فرزندان خود را در معرض آموزش‌های گوناگون قرار می‌دهند تا مسائل مختلف از آداب و رسوم و مذهب گرفته تا خواندن و نوشتن را به او آموزش دهند. پدر و مادر نمی‌توانند خود را نسبت به سرنوشت فرزند خود بی‌تفاوت بدانند و لذا هر خانواده‌ای به نسبت دغدغه و آگاهی خود، در فرایند رشد جسمی و روحی فرزندش تلاش می‌کند. از این جهت سخن در باب ضرورت اصل تربیت چندان اهمیتی ندارد چرا که در یک فرایند فطری و بلکه غریزی و طبیعی این مهم انجام می‌گیرد.

روشن است عوامل متعددی از جمله وراثت، محیط پیرامونی، تاریخ و ... بر شکل‌گیری شخصیت افراد دخیل هستند که هر کدام پیچیدگی امر تربیت را دوچندان می‌کند و والدین با تعامل با این عوامل و مدیریت آن‌ها بایستی بهترین راه را برای تربیت فرزند انتخاب کنند.

در جهان امروز فناوری بر این پیچیدگی‌ها افزوده است و درگیری انسان‌ها با زندگی پیشرفته و جدید که منجر به فردگرایی بیشتر و ازسویی از بین رفتن بسیاری از حریم‌ها شده، امر تربیت و تعلیم را با مخاطرات بیشتری مواجه ساخته است. گسترش رسانه‌ها و دیجیتالی‌شدن زندگی‌ها به یکی از معضلات اساسی خانواده‌ها بدل شده، تا جایی که در برخی موارد والدین را نسبت به توجه به فرزندان دچار غفلت نموده است.

به هر حال اولین آموزگار و مربی هر فردی، پدر و مادر او می‌باشند و در بستر خانواده است که اولین تربیت‌ها شکل می‌گیرد، اما مهمترین پرسش و مسئله این است که بهترین و درست‌ترین روش تربیت چیست؟ چه باید کرد تا اثرات مخرب محیط و رسانه را بتوان از فرزندان دور کرد؟ این پرسش هنگامی مهمتر می‌شود که پدر و مادر دغدغه دینی و تعالی روحی فرزند را داشته و نه تنها برای دنیا بلکه برای آخرت فرزند خویش نیز نگرانی داشته باشند. آنگاه همان‌گونه که در هر رده سنی برنامه تغذیه خاصی برای کودک وجود دارد به همان نسبت برای تربیت او نیز باید برنامه مدون و راهگشایی یافت شود.

در عقیده شیعه، وحی و ولایت بهترین راه‌ها و روش‌ها را برای سعادت دنیوی و

اخروی بشر ارائه داده است و از آنجاکه تربیت رابطه اساسی با انسان‌شناسی دارد و بهترین شناخت از انسان در اختیار خداوند است، از این‌رو کامل‌ترین برنامه تربیت را باید در قرآن و روایات جست. به عقیده شیعیان برنامه الهی، مختص به زمان و مکان خاصی نیست و یک دستورالعمل همه‌زمانی و همه‌مکانی است و لذا با دقت و تعمق در آیات و روایات می‌توان حتی برای امروز بشر نوین نیز راهکارهایی برای موفقیت در امر تربیت ارائه داد. روشن است این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که فردی دین‌شناس به این عرصه ورود نماید.

نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از نظرهای یکی از علمای برجسته مسئله تأثیر سبک زندگی دیجیتال را بر تربیت فرزند بررسی خواهد نمود.

آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (رحمه‌الله‌علیه) از شاگردان خاص حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) بوده که جامعیت فقهی، فلسفی، عرفانی و اخلاقی را از استاد خویش به ارث برده است. دروس اخلاق ایشان در تهران زبانزد بوده و شیوه اجتهادی ایشان در بیان مسائل اخلاقی را شاید بتوان منحصر به فرد دانست. ایشان در سلسله دروس اخلاقی خود بخشی را به مباحث تربیت و ادب الهی اختصاص داده که مستند به آیات و روایات است و جلسات آن در مجلد با عنوان «ادب الهی» منتشر شده است که با تعمیق و تدقیق یک مجتهد تراز اول می‌توان از آن‌ها به نتایج مهمی رسید. از این‌رو با بررسی این بخش از دروس ایشان و تعریف و تبیین تربیت دینی، به بررسی تأثیرات مثبت یا منفی زندگی دیجیتال بر تربیت فرزند پرداخته خواهد شد.

۱- تربیت

پیش از ورود به بحث تربیت، بایسته است این مهم مورد توجه قرار گیرد که، تربیت متفرع بر انسان‌شناسی و نوع نگاه مربی به انسان است و بر این مبنا، معیار و شاخصه تربیت مشخص می‌گردد. در روایات، انسان براساس همت و یا ادب او با ارزش شده است و آیت‌الله تهرانی همین بحث را ریشه تربیت دانسته و چارچوب بحث را بر این مبادی استوار کرده است.

امیرالمومنین (علیه السلام) معیار ارزش انسان را ادب می‌داند و می‌فرماید: «ارزش تو به ادب توست»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۴۷). مفهوم ادب، ارتباط وثیقی با تربیت دارد، ادب یعنی روش رفتاری؛ هم روش صحیح هم روش غلط یا هم رفتار نیک و هم رفتار سوء را در بر می‌گیرد؛ ادب یک مفهوم گسترده‌ای است که به حسن ادب و سوء ادب تقسیم می‌شود. به روش رفتاری صحیح، حسن ادب و به روش رفتاری ناپسند سوء ادب می‌گویند (تهرانی، ۱۳۹۲، ک. ۱، ص. ۳۷-۵۱). ادب درون و ادب بیرون؛ ادب درون پاکی دل است و ادب آشکار و ظاهر، حفظ اعضای ظاهری از گناهان است. هنگامی که ادب در مباحث اهل معرفت آورده می‌شود منظور همان ادب الهی است (تهرانی، ۱۳۹۲، ک. ۱، ص. ۹۱). ادب مبتنی بر اندیشه انسان به الهی و غیرالهی تقسیم می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۲، ک. ۱، ص. ۷۱). بر همین اصل تربیت نیز این گونه است و منظور از تربیت در این نوشتار تربیت الهی است.

۱-۱- تعریف تربیت

برای ارتقای اخلاق جامعه اسلامی ضروری است که به بحث (تربیت دینی) افراد آن جامعه پرداخته شود (تهرانی، ۱۳۹۱، ک. ۳، ص. ۲۷). آنچه در این نوشتار بررسی شده است تربیت به معنای رشد و نمو جسمی (باقری، ۱۳۷۰، ص. ۴۶) نیست. آیت‌الله تهرانی در تعریف تربیت می‌گویند: «روش‌های رفتاری و گفتاری دادن به دیگران، که این روش به صورت ملکه در آنها درآید». این تعریف، مربوط به تربیت در بعد اخلاقی است. اگر انسان همواره بر اساس آن روش رفتاری و گفتاری که مربی به او آموزش داده است عمل کند، این آموزش‌ها به مرور، ملکه درونی او شده و در این حالت می‌توان گفت که مربی او را تربیت کرده است (تهرانی، ۱۳۹۱، ک. ۳، ص. ۶۶). چنانچه مشاهده می‌شود در این تعریف تربیت به ملکه تعریف شده است، علامه طباطبایی در المیزان نیز این قید را در تعریف اخلاق ذکر کرده است و این بدان معناست که اولاً باید به گونه‌ای در تربیت کوشید که صفات نیک در وجود متربی نهادینه شده و ثبات و دوام داشته باشد؛ چرا که اصولاً تعریف ملکه شدن همین است، ثانیاً غالباً این فرایند تدریجی است و نیاز به صبر و تحمل و سعه

۱- «إِنَّكَ مَقُومٌ بِأَدَبِكَ»

صدر دارد. از این‌رو مربی بایستی خود را به این فضایل آراسته نماید تا بتواند در عمق وجود فرد نفوذ نماید. به نظر این تعریف نسبت به تعاریف دیگر از جمله اینکه تربیت را فقط پرورش برای شکوفایی استعدادات می‌داند (امینی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴) دقیق‌تر است.

۱-۲- ضرورت تأدیب نفس

یکی از رازهای موفقیت در تربیت این است که مربی که انتقال‌دهنده امور به افراد است خود تربیت یافته باشد.

خشک ابری که بود ز آب تهی
ناید از وی صفت آب دهی

این امر در خانواده که ارتباط مستمری بین افراد وجود دارد نمود بیشتری پیدا می‌کند از این‌رو والدینی که قصد تربیت درست دارند در مرحله اول بایستی بر نواقص تربیتی خود کار کرده و آنها را اصلاح نمایند.

در روایات بسیاری به تأدیب الهی نفس، امر شده است و در روایتی آمده است: ای مومنین! به آداب الهی مؤدب شوید^۱ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۵۳). در روایات دیگری اشاره شده است که بی‌ادبی موجب حسرت در هنگام مرگ می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۲، ک. ۱، ص. ۱۹۰).

از این‌رو پدر و مادری که برای تربیت فرزند خود نگرانی دارند در وهله اول باید موانع رسیدن به تربیت الهی در خود را از مقابل بردارند. اگر امری سبب سوء اخلاق آنها می‌شود آن را شناسایی کرده و راهکار مقابله با آن را پیدا کنند، در این صورت است که می‌توانند مربی مناسبی برای فرزندان خود باشند.

انسان‌های کامل و مودب به آداب الهی کسانی هستند که در جمیع ابعاد وجودی‌شان، مرزهای الهی را حفظ می‌کنند و عقل، قلب، نفس، خیال و تمام اعضا و جوارحشان روش رفتاری صحیح الهی پیدا کرده است. این‌ها هنگامی که درون را اصلاح می‌کند، بیرونشان هم اصلاح می‌شود، زیرا ظاهر انسان نمودار درون اوست (تهرانی، ۱۳۹۲، ک. ۱، ص. ۹۵). روشن است تربیت مسئله‌ای نسبی است و هر اندازه انسان خود را به انسان کامل نزدیک کند در این مسئله موفق‌تر است.

۱- «تَأْدِبُوا بِآدَابِ اللَّهِ».

۲- ویژگی‌های مربی

کسانی که می‌خواهند در جامعه و در هر محیط دیگری به‌عنوان مربی، آموزش‌دهنده و تربیت‌کننده دیگران باشند، باید برای تصدی این امر شرایطی احراز نمایند. اولین و اساسی‌ترین شرط برای مربیان آن است که ابتدا خود را ساخته باشند تا بتوانند دیگران را بسازند. کسی که خودش را نساخته و یا تربیت نکرده باشد، اگر هم بخواهد دیگران را تربیت کنند نه‌تنها فایده ندارد، بلکه روی آن‌ها اثر عکس می‌گذارد. روایتی از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «بافضیلت‌ترین تربیت‌ها آن است که انسان ابتدا خود را تربیت کند»^۱ (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۰). یعنی ابتدا باید خود را تربیت کرد و اگر انسان از عهده آن برآمد، به سراغ تربیت دیگری برود.

اگر گفته می‌شود: «مربی، ابتدا باید خود را تربیت کند»، این تعبیر مربوط به جمیع ابعاد وجودی اعم از تربیت بُعد عقلی، قلبی و نفسی است، مخصوصاً بعد نفسانی که قبل از تربیت دیگران، باید خود را در رابطه با نفس که متشکل از شهوت، غضب و وهم، تربیت کند. کسی که می‌خواهد نسبت به دیگران مربی‌گری کند، ابتدا باید خودش را در بعد نفسانی ساخته و قدرت کنترل شهوت، غضب و وهم را داشته باشد؛ پس مربی دیگران بشوند (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۵، صص ۲۱-۲۲).

در روایتی از امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) نقل شده است که حضرت فرمودند: «اگر انسان تحت فرمان خواسته‌های نفسانی خود عمل کند، کر و کور خواهد شد و این خواسته‌ها، بالاخره او را به وادی هلاکت می‌کشاند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۱۴). حال آیا چنین شخصی می‌تواند مربی دیگران باشد؟ او خود کر و کور شده است. حال چنین شخصی چگونه می‌تواند معلم دیگران باشد (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۵، ص ۴۳).

طبق نظر علمای اخلاق در موضوع خودسازی، اولین گام اصلاح ظاهر است؛ چه از نظر دیداری، چه از نظر گفتاری و چه از نظر رفتاری، مطابق با شرع و عقل قرار بدهد و راهی جز این وجود ندارد؛ بنابراین باید تربیت خود را از ظاهر شروع کرد که اصطلاحاً به آن «تربیت جوارح» گفته می‌شود. در این عرصه، دیگر چشم انسان به هر چیزی نگاه

۱- «أَفْضَلُ الْأَدَبِ مَا بَدَأَتْ بِهِ نَفْسُكَ»

نمی‌کند؛ گوش انسان به هر آهنگی گوش نمی‌دهد؛ زبان انسان هر چیزی را نمی‌گوید و...؛ تربیت عملی چیزی جز این نیست. وقتی انسان عزم می‌کند که اعمال خود را اصلاح کند، این عزم او باید جنبه عملی داشته باشد. اگر در تربیت، مسئله عمل مطرح نباشد، اصلاً بقیه امور هیچ تأثیری ندارند (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۵، ص ۷۵).

این مطلب امروزه با توجه به گسترش رسانه و تولیدات رسانه‌ای در حوزه جوارح به شدت باید مورد توجه قرار گیرد. به این ادب، ادب ظاهری نیز گفته می‌شود. در تربیت دیگران نیز همین قاعده حکم فرماست و باید از ظاهر و عمل شروع کرد. در واقع مربی بیش از آنکه از گفته‌های مربی تأثیر بگیرد از رفتار او خوشه می‌چیند. در روایات نیز تأدیب عملی مقدم بر تأدیب لسانی است (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۵، ص ۲۸).

۲-۱- ضرورت تأدیب نفس دیگران

روشن است توجه به خودسازی نباید انسان را از دیگر وظایف خود غافل نماید و والدین در همین فرایند خودسازی باید به نقش تربیتی خود نیز واقف باشند و برای رشد و تعالی فرزندان خود نیز بکوشند. لذا خداوند متعال ضمن توصیه به خودسازی که مرحله اول تربیت است، توصیه به نگهداری خانواده نیز می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید» (تحریم، آیه ۶)، معلوم می‌شود که تأدیب نفس دیگران هم مهم است (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۲، ص ۴۰). پس انسان به هر اندازه که ساخته شده است، وظیفه دارد دیگرسازی کند.

به تعبیر آیت‌الله تهرانی: «خودسازی و دیگرسازی واجب است». انسان به این وظیفه امر شده و از بی تفاوتی نسبت به دیگران نهی شده است. حال اگر دیگران، فرزند انسان باشد با توجه به حقی که اولاد بر والدین دارند این وظیفه دوچندان می‌شود.

در کلام ایشان در این زمینه اصطلاح و تعبیر دقیقی یافت می‌شود که تأدیب نفس خود «تطهیر» است و تأدیب نفس دیگران «ترفع» (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۲، صص ۵۰-۵۱). نقشه راه هر خانواده باید در بستر همین تطهیر و ترفیع شکل بگیرد.

۳- تأثیر محیط در تربیت

در نظر استاد تهرانی، غالباً پنج محیط خانوادگی، آموزشی، شغلی، محیط رفاقتی و فضای حاکم بر جامعه بر تربیت افراد مؤثر است. اولین محیطی که اثر سازندگی دارد محیط خانوادگی است انسان تا چشم باز می‌کند در این محیط قرار دارد؛ بنابراین اولویت در دستگیری دیگران، محیط خانوادگی است (تهرانی، ۱۳۹۱، ک، ۲، صص ۵۸-۵۹). باید اعتراف کرد که محیط تربیتی خانواده در سرنوشت فرزندان، فوق العاده مؤثر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۳).

روایت از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت می‌فرماید: «بنده مؤمن به خانواده خود چنان علم و ادب نیکو ارث می‌دهد که همه آنان را وارد بهشت می‌گرداند به‌طوری‌که تمام آنها را از کوچک و بزرگ و خادم و همسایه در بهشت می‌یابد»^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۰۱؛ تهرانی، ۱۳۹۱، ک، ۲، ص ۱۲۵). محیط خانوادگی اولین جایی است که ملکات در وجود انسان ایجاد می‌شود؛ لذا؛ غیرت الهی و انسانی اقتضا می‌کند که فرزند را به آداب الهی تربیت کنی و یک انسان مؤمن به جامعه تحویل بدهید نه یک حیوان دو پا! خدا حیوان دو پا زیاد دارد؛ پس دنبال این باش که انسان تحویل جامعه بدهی (تهرانی، ۱۳۹۱، ک، ۳، ص ۳۷). بیشتر مردم به اهمیت خانواده در اشاعه تربیت اعتراف دارند، به‌طوری‌که طرز اخلاق و رفتار هر کس در کانون خانواده شکل می‌گیرد و قسمت اعظم توفیق او در آینده بستگی به محیط فرهنگی خانواده دارد (مایر، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴). قرآن کریم در ارائه یک الگوی تربیتی داستان نصیحت و اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش را بیان می‌کند: و یاد کن هنگامی را که لقمان به پسر خویش درحالی‌که وی او را اندرز می‌داد گفت: ای پسرک من، به خدا شرک می‌اور که به‌راستی شرک ستمی بزرگ است (لقمان، آیه ۱۳). همچنین در قرآن کریم اشاره‌ای به مسئولیت انسان در قبال تربیت خانواده آمده است که بعد از تربیت خود فرد باید صورت بگیرد. مؤمن باید مسائل دینی را برای خانواده‌اش بیان کرده و یا آنها را به فراگیری مسائل دینی و عمل به آن ترغیب کند (حجازی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۷۰۵).

۱- «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْهُمْ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا خَادِمًا وَلَا جَارًا».

قرآن کریم دلیل عدم پذیرش دین الهی از سوی برخی از کافران را چنین معرفی می‌کند که کافران می‌گویند: پدر و مادران ما نیز بر این دین بوده‌اند. از این کلام فهمیده می‌شود که توجه به تعلیم و تربیت به‌ویژه اینکه به‌وسیله والدین صورت بگیرد، بر اذهان مردم بسیار مؤثر است و اکثر مردم در مرتبه اول تحت تربیت و تعلیم پدر و مادر قرار گرفته و افکار و آداب آنها در قلوب فرزندان به نحو طبیعی ثابت و راسخ می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۰).

البته باید توجه داشت که فضای پنجم بر چهار محیط دیگر حاکم است. اگرچه محیط خانوادگی، آموزشی، رفاقتی و شغلی نقش سازندگی دارند، اما آن فضای پنجم که حاکم بر آنها است، چنین نقشی را نداشته باشد. این‌ها می‌بافند و او باز می‌کند. تمام زحمات آن‌ها را خنثی می‌کند. هر چهار محیط تحت تأثیر فضای پنجم هستند. اهم نقش سازندگی برای این «فضای پنجم» است. اگر این فضا نقش سازندگی داشت، سطح جامعه به‌سوی سازندگی می‌رود، اگرچه بعضی از این محیط‌های چهارگانه نقش تخریبی داشته باشند، اما اگر این فضا نقش تخریبی داشت، نقش سازندگی این محیط‌ها تضعیف می‌شود؛ بلکه شاید بتوان گفت از بین می‌رود (تهرانی، ۱۳۹۴، ج ۴، صص ۳۸۰-۳۸۱).

۴- اولویت سنی تربیت‌شونده

نوع تربیت در محیط خانواده و در سنین کودکی با محیط‌ها و سنین دیگر از نظر (سرعت اثرپذیری) بسیار متفاوت است (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۶). زیرا کودکی یک صفحه تازهای است و روحش پاک است و هیچ نقشی ندارد؛ بلکه تو باید روی او بنگاری (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۶).

در باب تعلیم و تربیت کودک یک تعبیر مشهور وجود دارد که می‌گوید: «یادگیری در کودکی، مانند حکاکی روی سنگ است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۰۶).^۱ هنوز وجود او سخت نشده است اگر جلوتر برود، در این زمین به این راحتی نمی‌توان چیزی بکاری (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۷).

۱. «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ».

برخی از روایات، نقش والدین را در قبال فرزندان، مانند نقش یک کشاورز می‌دانند؛ با این تفاوت که کشاورز، هم باید زمین را شخم بزند هم در آن بذر بپاشد و هم آن را آبیاری نماید. ازسوی دیگر ممکن است این همه تلاش‌های کشاورز به نتیجه نرسد، اما کار والدین در امر تربیت فرزند بسیار آسان‌تر است. صفحه وجودی فرزند آماده است و هیچ سنگ و کلوخی ندارد، او سریع و عمیق اثر می‌پذیرد. بذر را هم خداوند متعال در وجود او کاشته است و نیازی نیست والدین این کار را هم انجام دهند. والدین تنها باید استعداد درونی فرزند خود را شکوفا کند، یعنی اصطلاحاً به «آبیاری زمین وجود کودک» بپردازد. اگر این امر درست انجام بگیرد والدین به این زمین آماده آب ندهند، خیانت و چه‌بسا جنایت کرده‌اند! (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۳، صص ۴۱-۴۲). این بدین معناست که وظیفه مربی این است که این استعدادها را با دستوراتی که از ناحیه خالق انسان رسیده است، به فعلیت برسانند. کار مربی «شکوفایی» است؛ اصلاً احتیاجی نیست که مربی این زمین آماده را شخم بزند یا بذر بپاشد؛ همه این استعدادها در او هست. فقط مربی باید آن را آبیاری کند. لذا دوران کودکی به‌خصوص دو سال اول زندگی، دوران بسیار مهم و سرنوشت‌سازی است (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰).

آبیاری کودک از دو طریق سمعی و بصری است. کودک هنگامی که به دنیا می‌آید، هر چه را می‌شنود و یا می‌بیند، به‌سرعت به اتاق بایگانی (حافظه درونی) منتقل کرده و در آنجا نگهداری می‌کند. سرعت گیرندگی او در این سنین، بسیار بالا و عمیق است. او دیده‌ها و شنیده‌هایش را به‌راحتی از یاد نمی‌برد.

وقتی دیده‌ها و شنیده‌های او در یک زمینه خاص تکرار شود، کم‌کم آنها به‌صورت ملکه نفسانی او درمی‌آید و شاکله وجودی‌اش را تشکیل می‌دهد (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۳، ص ۴۳). والدین نیز باید در امر تربیت فرزند خود بیشترین بهره را از این دو ابزار (قوه سمعی و بصری) ببرند. اثر استفاده از ابزار دیداری (زبان حال) در امر تربیت، بسیار بیشتر از ابزار شنیداری (زبان قال) است. در روایتی از امام علی (علیه‌السلام) به‌صراحت به‌بیان اولویت و تقدم زبان حال بر زبان قال در امر تربیت، اشاره شده است: «زبان حال

راستگوتر از زبان قال است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۳).^۱

بنابراین کسی که می‌خواهد فرزند خود را تربیت نماید، باید بداند که تیپ، قیافه و چهره او در تربیت فرزندش مؤثر است. بچه، ظاهر پدر و مادر را می‌بیند و این دیدن‌ها بیش از گفتن‌ها روی او تأثیر می‌گذارد (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۳، صص ۶۷-۶۹).

بهترین روش در این زمینه، روش دیداری است؛ یعنی اگر انسان قصد تربیت خود و دیگران را دارد، از بین روش گفتاری و دیداری، روش دیداری اثرگذاری بیشتری دارد. این مطلب در مورد همه انسان‌ها، حتی انبیاء و اولیاء (علیهم‌السلام) گرامی صادق است. والدین باید از حساسیت و ظرافت‌های تربیت آگاه باشند و بدانند هر قول و فعل آنها در کودک اثرگذار است، چه آن‌ها بخواهند یا نخواهند. از این رو آیت‌الله تهرانی تربیت را منوط به قصد نمی‌داند و بیان می‌دارد:

«در مسئله تربیت، قصد، مداخلت ندارد. تربیت شدن از عناوین قصدیه نیست و خواهناخواه اتفاق می‌افتد؛ به تعبیر دیگر چه در فرستنده تربیت و چه در گیرنده آن قصد شرط نشده است. هیکل و ظاهر والدین فرستنده تربیت است؛ چه بخواهد و چه نخواهد. گیرندگی فرزند هم احتیاجی به قصد ندارد؛ چه بخواهد و چه نخواهد اتفاق می‌افتد» (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۳، ص ۱۱۹).

یعنی اثرپذیری دیگران از گفتار و رفتار ما، منوط به آن نیست که ما نیز قصد اثرگذاری داشته باشیم. این نکته تکان‌دهنده‌ای است که مسئولیت سنگینی بر دوش همه کسانی می‌گذارد که در چشم دیگران، نقش الگو دارند؛ چه بخواهند چه نخواهند. این مطلب مبنایی، شامل همه کسانی می‌شود که در تربیت آحاد جامعه دخیل هستند؛ یعنی والدین، اساتید، علما و... گاهی بدون اینکه خود قصد تربیت داشته باشند، در تربیت آحاد جامعه نقش دارند (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۵، ص ۲۰). کودک آیینه رفتار والدین است هر چیزی مقابل این آیینه قرار داده شود به همان صورت منعکس خواهد کرد و در مقابل این آیینه حساس، والدین قرار دارند (قلی‌زاده کلان، ۱۳۷۶، ص ۹).

براساس این مقدمه خزانه ذهن کودک یک اتاق بایگانی خالی است. والدین به صورت

۱. «لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ».

مداوم بر آن اثر می‌گذارند و حافظهٔ کودک نیز چون خالی و زمین آمادهٔ کشت است، خیلی سریع و البته عمیق از آن اثر می‌پذیرد؛ بنابراین رفتار و گفتار والدین به سرعت برای کودکان ملکهٔ درونی ایجاد می‌کند (تهرانی، ۱۳۹۱، ک ۳، ص ۱۲۱).

از امام صادق (علیه السلام) در این زمینه روایتی نقل شده است که: «بچه‌ها را تا هفت سالگی رها کن تا بازی کنند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۶).^۱ حضرت در مورد سنین پس از هفت سالگی می‌فرماید: «وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا»؛ از سن هفت سالگی به بعد دیگر قوهٔ حیوانی فرزند انسان بروز پیدا می‌کند؛ بنابراین آموزش دادن و تربیت کردن او آغاز می‌شود؛ یعنی تا قبل از این سن و سال او به صورت ناخودآگاه تربیت می‌شد، اما از هفت سالگی به بعد چون قوهٔ تمیز پیدا کرده است، می‌شود مسائل تربیتی را به او تفهیم کرد؛ به عنوان مثال می‌توان به او گفت: پسر من و یا دختر من! فلان کار به این دلیل درست است و یا آن کار دیگر غلط است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، صص ۱۶۸-۱۶۹).

۵- نقش حیا در تربیت فرزند

مسئلهٔ حیا یک نقش زیربنایی در امر تربیت دارد. پدر و مادر که به طور طبیعی، دو مربی دست اول فرزند خود هستند. باید از حیای فطری فرزندان حراست کرده و آن را رشد دهند، نه اینکه خدای ناکرده با رفتار و گفتار خود، حیای فطری فرزندان را نابود سازند. فرزند، شرم و حیای ذاتی دارد، وظیفه پدر و مادر این است که این حیا را رشد دهند؛ و در همان روش‌های تربیت (دیداری، شنیداری، رفتاری) باید دقت کنند.

هستهٔ مرکزی تربیت مربوط به همین جا است. کسانی که اسیر هواهای نفسانی شده و قصد پیاده کردن اهداف شیطانی را در جامعه دارند، از همین راه وارد می‌شوند. ترویج لأبالی‌گری در ابعاد انسانی و الهی در محیط خانه، جامعه را به سوی بی‌بندوباری و پرده‌ری سوق می‌دهد. وقتی که پردهٔ حیای جامعه دریده شود، دیگر ارتکاب هر جنایتی در آن جامعه عادی خواهد شد.

برخی در جامعه همین پرده حیا را که در تربیت اصل و اساس است، می‌درند. بعد از آن،

۱. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»

پدر و مادر هر کاری هم بکنند، ثمری ندارد. البته این مسئله هم هست که وقتی از محیط خانواده بیرون رفت و وارد محیط آموزشی شد، مشکلات تربیتی‌اش بیشتر می‌شود. آیت‌الله تهرانی آنگاه به مقوله رسانه نیز ورود کرده و آن را در این حوزه بسیار خطرناک می‌داند و می‌گوید: «بدتر از همه اینها محیط جامعه و مخصوصاً رسانه‌های تصویری است که برخی از آنها «جنایتکاران جامعه» هستند و چه مشکلاتی را در مسیر تربیت ایجاد می‌کنند (تهرانی، ۱۳۹۱، ۳، صص. ۹۰ و ۱۱۲؛ ۱۳۹۴، ۴، ص. ۲۲۲).

۵-۱- حیا چیست؟

در کتاب مفردات راغب، در تعریف حیا آمده است: «حیا آن حالت گرفتگی نفس از کارهای زشت است، آن کارها را انجام ندهد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). علمای اخلاق، حیا را تعبیر به «انقباض نفس» می‌کنند؛ برای نمونه مرحوم نراقی (رحمه‌الله‌علیه) می‌فرماید: انحصار و انفعال نفس از ارتکاب محرمات شرعی، قبائح عقلیه و عادیّه به جهت پرهیز از نکوهش‌ها و سرزنش‌ها است. بعد می‌گوید: حیا اعم از تقوا است؛ چون تقوا، اجتناب از معاصی شرعیّه است؛ ولی حیا، اعم از اجتناب معاصی شرعیّه است و آنچه عقل و عرف زشت می‌شمارد را هم شامل می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۴، ۴، ص. ۲۷۲).

مرحوم مجلسی (رحمه‌الله‌علیه) در تعریف حیا می‌گوید: «حیا ملکه‌ای نفسانی است که سبب دوری انسان از زشتی‌ها و پرهیز او از ارتکاب کارهای خلاف ادب می‌شود؛ همه اینها نیز برای آن است که مورد سرزنش قرار نگیرد» (تهرانی، ۱۳۹۴، ۴، ص. ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص. ۳۲۹).

با توجه به این تعاریف آیت‌الله مجتبی‌تهرانی در جمع‌بندی تعریف حیا می‌گوید: از نظر نفسانی حیا از مقوله انفعال و صفت نفس است؛ از نظر فلسفی از مقوله انفعال است. همان حالت انکسار، شکستگی و انفعال است؛ و حیا، انزجار نفس قبل و بعد از انجام عمل است، و اهمیت حیا در قبل از انجام عمل قبلی است (تهرانی، ۱۳۹۴، ۴، صص. ۴۷-۴۹).

بی‌حیایی در دو بُعد انسان اثر می‌گذارد؛ بُعد انسانی و بُعد معنوی. از نظر بُعد انسانی تعبیر کردم که انسان را «مَسَخ» می‌کند؛ به این معنا که انسانیت او را از بین می‌برد؛ موجود خبیثی درست می‌کند که «بدتر از حیوان» است. وقتی که این موهبت الهی از

انسان گرفته شود، یک موجود خطرناکی می‌شود؛ بحث الهی نیست و از آثاری برای بی‌حیایی در روایات آمده است می‌توان به خیانت، سخت دلی و خشونت، خروج از انسانیت، دور شدن از رحمت اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۱). بنابراین اگر حیا برود، انسان در دو بُعد انسانی و معنوی پست‌تر از حیوان می‌شود و از نظر غضب خیلی از گرگ خطرناک‌تر است و از نظر شهوت بدتر از خوک است (تهرانی، ۱۳۹۴، ک ۴، صص ۱۶۵-۱۶۹).

۵-۲- راه تقویت و حفظ حیا

انسان باید تلاش و کوشش کند که اگر چنین حیایی در این مرتبه ندارد، زمینه حصول آن را فراهم کند. از آنجاکه حیا امری غریزی است؛ اکتسابی نیست، اما انسان می‌تواند زمینه آن را فراهم کند تا خود به خود حاصل شود. انسان از دو راه علمی و عملی باید تلاش کند اما راه علمی؛ چون حیا من الله تعالی است، باید مبادی معرفتی و ایمانی را در خودش تحصیل کند؛ مسئله تفکر کردن نسبت به صفات حق تعالی به خصوص صفت «بصیر بودن» حق تعالی است. از نظر درونی روی این معارف کار کند، به این معنا که باور کند خداوند نسبت به اعمالش ناظر و حاضر است.

از نظر عملی توصیه می‌شود که انسان مقید باشد با کسانی معاشرت کند که «اهل احیا باشد». مسئله مصاحبت و معاشرت خیلی مؤثر است؛ کمال تأثیر را روی انسان دارد. دوم اینکه از نظر ابتدایی نسبت به حرف زدنش مراقبت کند. سوم از آنجا که حیا موهبت الهی است؛ لذا از خداوند درخواست کند و در ارتباط با کاری که می‌خواهد انجام بدهد کمک بخواهد (تهرانی، ۱۳۹۴، ک ۴، صص ۱۹۶-۱۹۸).

۵-۳- ویژگی حیا در افراد کم سن و زنان

حیا در ارتباط با افراد، مختلف است. حیا کسانی که جزء بچه‌ها محسوب می‌شوند و هنوز پا به سن نگذاشته‌اند، از بزرگ‌ترها بیشتر است. جهت هم معلوم است؛ جهت، این است که این‌ها به فطرت اولیه نزدیک هستند و حیا برای انسان یک امر فطری است. هنوز این فطرت اولیه این‌ها در اثر اعمال قبیح و زشت، تضعیف نشده است؛ چون عمل زشت و

قییح است که این غریزه انسانی را در انسان تضعیف می‌کند؛ لذا بچه‌ها از نظر حیایی قوی‌تر هستند چون به فطرت اولیه نزدیک‌ترند.

چه در محیط آموزشی و چه در محیط تربیتی از نظر خانوادگی، آن‌هایی که مسئولیت تربیتی دارند و سروکار با صبیان دارند، بدانند که خدای ناخواسته اگر حیای آن‌ها را تضعیف کنند، «بزرگترین ضربه» را زدند و مسئولیت دارند؛ باید این حالت پرده‌داری را در کودکانی که به فطرت اولیه‌شان نزدیک هستند، حفظ کنند؛ نسبت به آن‌ها پرده‌داری نکنند (تهرانی، ۱۳۹۴، ک.ع، ص. ۲۰۹). لذا پدر و مادر باید مراقب باشند که این ودیعه الهی را در نهاد فرزند خود سرکوب نکنند (تهرانی، ۱۳۹۴، ک.ع، صص. ۲۳۰-۲۳۱).

۴-۵- عوامل ترویج بی‌حیایی در جامعه

چنانچه گذشت در منظر آیت‌الله تهرانی ترویج بی‌حیایی، دو تصویر دارد. یک ترویج بی‌حیایی؛ یعنی ترویج زشتی؛ یعنی اعمالی که در سه رابطه دیداری، گفتاری و رفتاری قبیح و عمل قبیح و موجب پرده‌داری را ترویج کنند.

این مسئله «فرد شاخصش» در جامعه ما رسانه‌ها هستند که از نظر دیداری، گفتاری و رفتاری پرده‌داری می‌کنند. در بخش بعدی در این باره بیشتر خواهد آمد. اما اینکه رسانه‌ها مروج بی‌حیایی در جامعه هستند لزوماً بدین معنا نیست که، عمل زشت را ترویج می‌کنند بلکه گاهی با عمل زشتی که در جامعه واقع می‌شود، برخورد نمی‌کنند؛ و این هم ترویج است؛ یعنی کسانی که مسئولیت دارند برخورد کنند، اما به وظیفه خود عمل نکنند. به تعبیر دیگر میدان را بازگذاشتن نیز نوعی ترویج به حساب می‌آید که این خود تصویر دوم ترویج می‌باشد عمل زشت را ترویج نمی‌کنند، بلکه سکوت می‌کنند (تهرانی، ۱۳۹۴، ک.ع، صص. ۲۸۰-۲۸۱).

۵-۵- راه علاج ترویج بی‌حیایی در جامعه

بیان شد که فضای جامعه حاکم بر سایر محیط‌های تربیتی است. از این رو برای علاج بی‌حیایی در جامعه باید کسانی که بر فضای جامعه حاکم هستند و آن را می‌سازند، دارای صلاحیت باشند. اگر این‌ها افراد صالح باشند، مشکل هم در بحث حیا و هم در

نقش سازندگی نسبت به چهار محیط، حل می‌شود.

روایت از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که فرمودند: «دو گروه از امت من هستند که اگر اینها صالح و شایسته باشند، جامعه و امت من هم رو به صلاح می‌رود. اگر این دو گروه فاسد باشند، جامعه رو به فساد می‌رود؛ اول فقها یعنی علما و دانشمندان که معارف و احکام شرعیه را می‌دانند و جنبه علمی و فرهنگی دارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹). آنان از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند تا در نشر حقایق و پرورش نفوس انسان‌ها تلاش و جدیت نمایند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰). دسته دوم اُمرا یعنی کسانی که زمام امور اجرایی جامعه در دست آنها است.

اگر اینها صالح شدند، جامعه صالح می‌شود. معنایش این است که به وظیفه محوله الهی‌شان عمل کنند. وظیفه علما و فقها از نظر فرهنگی است؛ یعنی بیابند احکام شرعیه و معارف الهیه را بگویند. باید‌ها و نبایدها را خیلی ساده برای مردم بیان کنند؛ کم نگذارند. وظیفه اُمرا چیست؟ وظیفه اُمرا پیاده کردن احکام شرعی در سطح جامعه است؛ چون مسئول اجرایی هستند. اُمرا باید آنچه را که از احکام شرعیه است اجرا کنند.

اگر سکوت کنند، ترویج بی‌حیایی است. اگر ببینید مردم و جامعه دارند به کجا می‌روند و چیزی نگویند، این خودش ترویج بی‌حیایی است؛ یعنی آنهایی که وظیفه اجرایی دارند، دست روی دست بگذارند. این دو باید موازی با هم کار کنند؛ یعنی کار فرهنگی و اجرایی باید دوشادوش جلو برود؛ و إلا اگر کار فرهنگی بشود و کار اجرایی نشود؛ بی‌فایده است؛ یعنی هر چه فقها داد بکشند، از این طرف اُمرا عمل نکنند، آنچه البته به‌جایی نرسد فریاد است. از این‌رو یکی از وظایف حکومت اسلامی این است که برنامه‌های فرهنگی و تربیتی جامعه را منسجم و هماهنگ سازد تا همه نهادهای مربوطه در یک خط درست مشی کنند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶).

آیت‌الله تهرانی با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و اتفاق‌های پس از رحلت پیامبر، مصیبت بزرگ جامعه اسلامی را صاحب منصبانی می‌داند با ظاهر موجه زمام امور را به‌دست گرفتند و مسیر تربیت جامعه دینی را منحرف کردند و به‌سمت فساد سوق دادند. «افرادی ظاهرالصلاح و به تعبیر من فساق ظاهرالصلاح، زمام امر اجرایی را در سطح جامعه به

دست گرفتند و به وظیفه الهی عمل نکردند، روزبه‌روز جامعه اسلامی به‌سوی فساد رفت». راه‌حل چیست؟ این فضا‌سازان اگر قابل اصلاح هستند، باید اصلاح بشوند تا جامعه اصلاح بشود. به تعبیر ایشان تا امرا و مسئولین یک جامعه اصلاح نشوند، نمی‌توان عمل نیکو را در جامعه پیاده نمود و اکتفا به مباحث ذهنی و فرهنگی دردی از جامعه درمان نمی‌کند! (تهرانی، ۱۳۹۴، ک ۴، صص ۳۸۲-۳۸۵).

۶- دیجیتال

آنچه امروز از آن به زندگی دیجیتالی تعبیر می‌شود ارتباط بسیاری با رسانه دارد چراکه شبکه‌های اجتماعی و نظیر آن در اصل تغییر و تحولات سریع و شگرفی است که در حوزه رسانه رخ داده است. ازاین‌رو در بادی امر کاوشی در مفهوم رسانه خواهد شد.

۶-۱- تعریف رسانه

رسانه اصطلاح فارسی شده واژه لاتین «Medium» است که جمع آن «Media» است و منظور از آن گروهی از ابزارها هستند که مورد توجه تعداد کثیری قرار گرفته و از تمدن‌های جدید به وجود آمده‌اند. البته رسانه در این تعریف به‌طور کامل معرفی نشده است، زیرا چنین ابزارهایی محدود و منحصر به وسایل ارتباط جمعی نیست. ازاین‌رو بایستی به تعریف دقیق‌تر پرداخت؛ رسانه به‌معنی هر وسیله‌ای است که فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای را انتقال دهد (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص ۷۱).

۶-۱-۱- دسته‌بندی رسانه‌ها

دائرةالمعارف بین‌المللی رسانه و ارتباطات در مداخل خود، رسانه را به دسته‌های زیر تقسیم کرده است:

- رادیو و پخش برنامه‌های تلویزیونی بر روی مجموعه آی‌پد و پخش‌کننده‌های قابل حمل و یا بر روی تلفن همراه؛
- فیلم‌ها و پخش برنامه‌های تلویزیون و یا بر روی DVD و شبکه‌های ماهواره‌ای؛
- بازی‌های رایانه‌ای بر روی رایانه‌های شخصی، لپ‌تاپ‌ها و یا دستی مازول‌ها و

بازی‌های تعاملی اینترنت:

- تلفن ثابت و تلفن همراه؛
- انواع رایانه‌ها؛
- رسانه‌های ارتباطی مانند اتاق‌های گفتگو، چت و پست الکترونیک؛
- تلویزیون کابلی و تلویزیون شبکه‌ای؛
- سیستم‌های ضبط و پخش صدا؛
- اینترنت و تمام خدمات قابل دسترس در اینترنت (وبلاگها، تارنماهای مربوط به سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها، اشخاص، پادکست و...) (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، صص. ۷۱-۷۲).

۶-۱-۲- کارکردهای رسانه

در نظام نوپدید جهانی، ما در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما است. رسانه‌ها با اتخاذ سیاست‌های متفاوت ارتباطی، توسعه فرهنگی کشورها را آسان می‌کنند و سرعت می‌بخشند. کارکرد رسانه در عصر ارتباطات، بی‌شک در همه ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری انکارناپذیر است. امروزه جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار توسعه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ‌ومیر، بر معیارهای آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند. در چنین جامعه‌ای وسایل نوپدید ارتباط جمعی با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالا بردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری به عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه‌جانبه یاری می‌کنند.

امروزه کارکردهای سه‌گانه وسایل ارتباط جمعی (خبری، آموزشی، تبلیغی و سرگرمی) نزد متخصصان امر، کارکردهای شناخته‌شده‌ای است، درحالی‌که قابلیت‌های وسایل ارتباط جمعی در حوزه‌های فراتر از تبلیغ و سرگرمی، نزد بسیاری از برنامه‌ریزان اجتماعی همچنان به صورت یک رازواره باقی مانده و در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

رسانه با وجود کارکردهای جاری و مرسوم که برای آن تعریف شده، در تغییر ساختار جامعه، باورهای مردم و نگرش آنها به موضوعات خاص نقش به‌سزایی دارند. به همین جهت محققان و نویسندگان حوزه رسانه، وقتی از رسانه و کارکردهای آن سخن می‌گویند عقیده دارند که تأثیر رسانه‌ها بر کودکان، زیاد و عمدتاً منفی است، زیرا بیشتر گیرندگان پیام منفعل هستند. حتی کودکان را به ظرف خالی تشبیه کرده‌اند که رسانه‌ها آنها را با پیام‌های خود، آن‌گونه که می‌خواهند، پر می‌کنند. به عقیده کارشناسان، صاحبان رسانه با بهره‌گیری از این ابزار قدرتمند، قصد دارند مخاطبان و به‌ویژه کودکان و نوجوانان را شستشوی مغزی دهند.

فناوری دیجیتالی با سرعت فراوان، به‌سوی شکلی از ارتباطات چندبُعدی در حرکت است و این شکل از ارتباطات، مقایسه فرایند کنونی را با دگرگونی رسانه‌های قبلی دشوارتر می‌سازد. هر یک از رسانه‌های قبلی، مبتنی بر یک یا دو راه حسی است.

البته همه رسانه‌ها به یک میزان، از قدرت کافی برای چنین خواسته‌هایی برخوردار نیستند. آثار همه رسانه‌ها نیز به یک اندازه، ماندگاری و دوام ندارد. برخی رسانه‌ها از اثرگذاری سریع و کوتاه‌مدتی برخوردارند؛ مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری ازجمله تلویزیون، سینما، رادیو و ماهواره‌ها؛ درحالی‌که برخی رسانه‌ها اثرگذاری کندتری دارند، ولی ماندگاری آثار آنها به مراتب بیشتر و عمیق‌تر است. ازاین‌دست رسانه‌ها می‌توان به رسانه‌های نوشتاری و مکتوب اشاره کرد، ازجمله کتاب، روزنامه و مجلات. این رسانه‌ها به لحاظ ویژگی‌های فیزیکی خود و محدودیت‌های ذاتی که دارند، کندتر از رسانه‌های دیداری و شنیداری موصوف، مفاهیم و پیام‌ها را منتقل می‌کنند. اما به لحاظ همان ویژگی‌های ذاتی می‌توانند اثری عمیق‌تر برجای بگذارند و ماندگاری بیشتری داشته باشند. سرعت انتقال پیام در رسانه‌های نوپدید و رسانه‌های دیداری و شنیداری زیاد است و می‌کوشند که از تمام حواس ادراکی مخاطب بهره گیرند، لذا آثار وضعی سریع‌تری از آنها مشاهده می‌شود، ولی فرصت فکر کردن و تأمل را از مخاطبان می‌گیرند و مجالی برای تعمق و تفکر روی مفاهیم پیام نمی‌گذارند، بدین‌روی آثار آن نیز کوتاه‌مدت خواهد بود. درنتیجه به همان سرعتی که آمده‌اند، از ذهن‌ها خارج خواهند شد

و به فراموشی سپرده می‌شوند (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، صص. ۷۲-۷۴).

۳-۱-۶- ویژگی‌های رسانه

رسانه‌ها به‌طور عام ویژگی‌های مشترکی دارند، این ویژگی‌ها سبب می‌شود رسانه‌ای به رسانه دیگر در برخی از کارکردها مقدم باشد و در برخی موارد، خواسته‌های صاحبان رسانه را سریع‌تر و به‌شکل مطلوب‌تری تحقق بخشند. در عصر حاضر، از میان تمام رسانه‌هایی که نام برده شد، رسانه‌های دیداری و شنیداری و رسانه‌های ترکیبی و همچنین اینترنت به‌طور خاص که رسانه‌ای فوق‌العاده ترکیبی است (ترکیبی از انواع تمام رسانه‌های دیداری، شنیداری، تعاملی، متنی و گفتاری و صامت)، از محبوبیت و جذابیت خاصی برخوردار است و بیش از بقیه رسانه‌ها در راستای انتقال پیام‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص. ۷۴).

در این بخش سعی می‌شود به ویژگی‌های اینترنت که نوظهورترین رسانه عصر جدید است پرداخته شود.

۴-۱-۶- فضای مجازی

اینترنت در حال حاضر، بزرگترین شبکه برای ایجاد ارتباط است. تعاملات انسانی در این فضا، برخلاف فضای واقعی که به شکل رودررو در یک سرزمین واحد است، به شکل جهانی است و در این فضا معمولاً افراد ناشناس باقی می‌مانند. این فضا، در هر زمان و در هر مکانی به راحتی در دسترس است. این فضا، محیطی است که به واسطه عدم حضور نشانه‌های فیزیکی، همه در آن بی‌جسم، بی‌مکان و متعاقباً گمنام و به‌طرز محسوسی کنترل‌ناپذیرند و درعین حال، به واسطه خصوصیات و چارچوب‌های مستحکم فناوری آن، به شدت تحت کنترل ساختارهای بی‌شمار مرئی و نامرئی موجود در این فضاء هستند (نکایی و خطیبی، ۱۳۸۵، صص. ۲-۳۵).

ویژگی‌های فضای مجازی عبارتست از: سریع شدن فضا، فراگیری، قابلیت دسترسی دائم، فرامکانی و فرازمانی، جهانی بودن و چندرسانه‌ای بودن. امروزه رسانه‌ها و به‌طور خاص فضای مجازی به میدانی برای صدور فرهنگ تبدیل

شده و در بسیاری موارد کشورهای سلطه‌طلب و مستکبر با سوءاستفاده از امکانات رسانه‌ای به تغییر فرهنگ و سبک زندگی سایر ملل پرداخته و بدین‌وسیله برخی منافع مادی خود را دنبال می‌کنند. این‌گونه دخالت در فضای مجازی، ضدفرهنگ، خشونت‌زا شده است که فضای مجازی، سبب به‌وجودآمدن محیطی ناسالم، مخرب تربیت و اخلاقی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. فضاهای مجازی و محیط‌های رسانه‌ای به‌دلایلی که برخی از آنها در ادامه بحث نیز بیان می‌شود، به‌عنوان یک آسیب و چالش در فراروی تربیت قرار دارد (آزادی/احمدآبادی، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۴).

۶-۱-۵- اینترنت

اینترنت نوظهورترین رسانه عصر جدید است و به همان اندازه که جوان است، برای تمام گروه‌ها کشش و جاذبه دارد. سرعت رشد فناوری اطلاعات باعث شد که اینترنت به قابلیت‌های ویژه‌ای دست یابد، از تمام رسانه‌های دیگر در جذب مخاطب گوی سبقت را برآید (آزادی/احمدآبادی، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۵) و تا جایی پیش برود که تمام رسانه‌های دیگر را با قابلیت‌های خیلی بیشتر از خودشان در دل خود جای دهد. کمتر کاربری در اینترنت می‌توان یافت که نتواند شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی را پیدا کند و استفاده نماید. همچنین کمتر استفاده‌کننده‌ای است که با مفاهیمی همچون کتاب دیجیتال آشنایی نداشته باشد و لذت استفاده از یک کتابخانه دیجیتال را نچشیده باشد.

معدود استفاده‌کنندگان اینترنت را می‌توان یافت که ارتباط راه دور صوتی و تصویری همزمان را با دوستانی در فاصله هزاران کیلومتر دورتر از خود و یا شاید همسایه طبقه بالای خانه خود را تجربه نکرده باشند. کمتر نوجوان و جوانی را می‌توان یافت که شنیدن موسیقی دلخواه خود را در اینترنت تجربه نکرده باشد و یا به مدد اینترنت موسیقی‌های مورد علاقه مشترک را برای دوستان خود به اشتراک گذاشته باشد و یا از طریق پست الکترونیک خود، مناسبت‌های خاص را به دیگر دوستان به‌صورت گروهی و همزمان یادآور نشده باشد.

اینترنت با این همه ویژگی و قابلیت، معدود رسانه‌ای است که هنوز متخصصان حوزه کودک نه چالش‌های وحشتناک آن را شناخته‌اند، نه فرصت‌های بس بزرگ آن را. زمانی

نه‌چندان دور، استفاده از اینترنت فقط برای عده‌ای قلیل و آن هم با هزینه‌های فوق‌العاده گزاف میسر بود. حال آنکه در زمان حاضر، هرکسی که تلفن همراه دارد، امکان استفاده از حداکثر قابلیت‌های اینترنت با هزینه‌های ناچیز را دارد.

از مهمترین ویژگی‌های اینترنت می‌توان به راحتی دسترسی، هزینه‌های ناچیز، ابزارهای واسط آسان‌یاب و حداقل مهارت‌های کاربردی، و از همه مهمتر جذابیت‌های فوق‌العاده بالا و شکستن مرزهای زمان و مکان اشاره کرد. این همه جذابیت و کشش باعث شده است که افراد فرصت‌طلب نیز برای تحقق خواسته‌های خود، این ابزار قدرتمند رسانه‌ای را به خوبی شناخته و به خدمت بگیرند. به همین لحاظ لحظه‌به‌لحظه حجم اطلاعات موجود در اینترنت با رشدی تصاعدی در حال افزایش بوده و کلیه مخاطبان و کاربران خود را در حجم عظیمی از اطلاعات غرق نموده است.

شاید نسبت کمی از والدین، از انواع رسانه‌ها و کارکرد آنها در زندگی روزمره آشنایی و آگاهی داشته باشند، ولی کودکان و نوجوانان با توجه به ذهن فعال خویش در اسرع وقت با آنها ارتباط گرفته و آنها را وارد زندگی خویش می‌کنند. اینجاست که اهمیت شناخت والدین و مربیان کودک و نوجوان نسبت به دنیای رسانه‌ها، اهمیتی در خور می‌یابد (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص ۷۶).

پدیده اینترنت، فصل جدیدی را در سهولت و سرعت بخشیدن به انواع فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و... به روی انسان‌ها گشوده است و استفاده از آن برای برخی افراد، به دلیل موقعیت‌های شغلی، اجتناب‌ناپذیر است. در کنار مزیت‌های فراوان اینترنت، نباید از جنبه‌های تخریبی و خانمان‌سوز آن غافل بود؛ چرا که امروزه این رسانه، مرزهای جغرافیایی را از میان برداشته و در برخی مواقع و سنت‌های متضاد با فرهنگ خودی را نیز منتقل می‌کند (سیدمیرزایی؛ شاه‌رخ و قطبی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۵-۱۰۶).

۲-۶- آثار رفتاری

برنامه‌های گوناگون رادیویی و تلویزیونی می‌تواند الگوهای رفتاری را در قالب فیلم، مجموعه تلویزیونی و نمایش‌های رادیویی ارائه دهد. این الگوها از زمان کودکی در فرد

درونی‌شده، تصویری خاص از روابط زن و شوهر و فرزندان ایجاد می‌کند. بدین‌ترتیب می‌توان گفت القای یک تفکر یا روش غلط در هر یک از زمینه‌های رفتاری می‌تواند به تشدید یا شکل‌گیری آسیب‌های جدید منجر شود. نقش رسانه عمدتاً در طرح نیازها و خواسته‌ها است.

همچنین نتایج پژوهش دیگری نشان داد که الگوهای رفتاری کودکان، والدین و شخصیت‌های تلویزیونی است؛ به این معنا که کودک مستقیماً از برنامه‌های تلویزیونی که می‌بیند، الگو بگیرد، و چه اینکه والدین برنامه‌های تلویزیونی را دیده و رفتارهای مشابه را انجام داده که الگو کودک شده است. نتایج بررسی نشان داد که بین مشاهده برنامه‌های تلویزیونی و رفتار والدین و رفتارهای کودک ارتباط مستقیم وجود دارد.

اکنون جوامع غربی به‌سوی نوعی از خانواده جمعی پیش می‌روند که ارزش عمده در آن، انعطاف‌پذیری است. در این میان رسانه‌ها از طریق اثرگذاری بر ارتباط منفی بین والدین و فرزندان می‌شوند. نسل جوان امروز در مقایسه با نسل‌های گذشته، کمتر زیر بار ارزش‌های دیکته‌شده توسط خانواده می‌رود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: امروزه تنها مدارس، مساجد و سایر نهادهای اجتماعی جایگزین نقش تربیتی فرزندان نشده‌اند، بلکه رسانه نیز نقش مهمی در این میان دارد و فرزندان الگوهای رفتاری خود را در بسیاری موارد، از رسانه اخذ می‌کنند.

در بررسی دیگری مشخص شد که تبلیغات تلویزیونی تأثیر مستقیم روی نگرش کودکان دارد. تبلیغات تلویزیونی، کودکان را به مصرف‌گرایی بیشتر و در نتیجه فشار بیشتر بر والدین ترغیب نموده است تا خواسته‌های آنان را برای خرید آنچه آنان دیدند و تمایل یافتند، تحقق بخشند. نتیجه این تأثیر روی کودکان، ناامیدی و نارضایتی از زندگی در کودکان و کاهش ارتباط آنان با والدینشان بوده است.

دیدن تلویزیون رابطه عاطفی و دوستانه را کاهش و در نتیجه خطر انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد. همچنین اختلال اضطراب، ترس از مکان‌های شلوغ و رفتار ضداجتماعی، از جمله تجاوز و حضور در گروه‌های هنجارشکن را شدت می‌دهد (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، صص ۸۳-۸۵).

نتایج بررسی‌های بیش از دو دهه از دانشمندان نشان می‌دهد که بین برنامه‌های

مشاهده شده در تلویزیون و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان، ارتباط مستقیم وجود دارد. علاوه بر این تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان مستعد پرخاشگری، برای رسیدن به اهداف خود، از رفتارهای ضد اجتماعی در تلویزیون، ویدئو و رسانه‌های بصری و نمایش الگو می‌گیرند. لذا افراد مستعد پرخاشگری مراقبت‌های ویژه‌ای را می‌طلبند و باید برنامه‌های ویژه‌ای برای تماشای تلویزیون برای آنها در نظر گرفته شود.

روابط والدین با فرزندان می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش آثار مخرب برنامه‌های تلویزیونی داشته باشد، به‌ویژه اگر این رابطه به صحبت در خصوص زیان‌ها و خطرات ناشی از تماشای این برنامه‌ها بینجامد. البته والدین می‌توانند از مزایای این قبیل رسانه‌ها سخن گویند و آنها را به استفاده مطلوب از رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون ترغیب کنند. نتیجه این روش بیشتر از سانسور و ایجاد محدودیت‌های بیش‌ازحد برای تماشای برنامه‌های تلویزیون است. اگر در این زمینه فعالیت جدی صورت نگیرد، در آینده شاهد رفتارهای خشونت بار زیاد و سوءاستفاده‌های فراوانی از کودکان خواهیم بود.

در این نوشتار در پژوهش‌هایی در مورد فیلم و برنامه‌های تلویزیون مورد بررسی قرار گرفت که تقریباً با همین نسبت بلکه بیشتر هر آنچه در مورد فیلم و کارتون بیان شد، در مورد بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی نیز صادق است.

اینترنت ازجمله عوامل تأثیرگذار بر روابط فرد و اعضای خانواده است. در جامعه امروز، گرایش به اینترنت و استفاده از آن چنان رایج شده است که بیشتر خانواده‌ها، رایانه شخصی دارند و اعضای خانواده بخش زیادی از وقت خود را در رابطه با استفاده از اینترنت سپری می‌کنند، چه بسا ساعت‌ها مادر و یا فرزند در منزل حضور فیزیکی دارند، ولی حضور وجودی ندارند. این موضوع باعث کاهش تعاملات افراد با یکدیگر شده و احساس مسئولیت و دلبستگی بین اعضای یک خانواده را کم‌رنگ می‌کند. درحالی‌که با هم بودن و حضور افراد در کنار یکدیگر موجب همبستگی و پیوستگی یک خانواده می‌شود. از این رو وقتی فردی به اینترنت معتاد شد، فرصت تعامل با دیگران به‌ویژه خانواده را از دست می‌دهد. در نتیجه ورود اینترنت به دنیای ارتباطات، باعث بروز تحولاتی در ساختار خانواده شده است. برای بسیاری از مردم رفتن به اینترنت یک

راه کنار آمدن با جامعه است که مردم آن، روزبه‌روز از همدیگر کناره‌گیرتر می‌شوند. ارتباطات رایانه‌ای تأثیرات اجتماعی را با نبودن رفتارهای غیرکلامی مانند صحبت نکردن، خیره شدن و مانند آن کاهش می‌دهد.

از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکل‌گیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگون است. عمده‌ترین این منابع خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان است. «از این میان رسانه‌های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آن اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای موجب شده است شکل‌گیری نظام شخصی هویت افراد تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرار گیرد».

اما آنچه مورد بحث است این است که والدین متوجه باشند تربیت کودک خود را به‌دست رسانه‌ها ندهند و استفاده فرزند از رسانه را آگاهانه مدیریت نمایند (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، صص. ۸۵-۱۷).

۳-۶- چالش‌های رسانه و راهکارهای مدیریت آن

آثار رسانه در ابعاد مختلف بر کودکان بیان و روشن شد که چالش‌های زیادی فرا روی رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های ترکیبی وجود دارد. چالش‌های رسانه‌ای به‌حدی قابل توجه و مهم هستند که کمیته حقوق کودک سازمان ملل در ۷ اکتبر ۱۹۹۶ در جلسه عمومی خود تصمیم گرفت در این خصوص به‌طور ویژه بپردازد و رسانه‌ها و آثار و کارکرد آن را بررسی کند. به‌همین‌منظور، این کمیته در همین مورد مقرر کرد به سه حوزه اصلی زیر به صورت جدی بپردازد.

- چه کاری برای محافظت از کودکان از خشونت در رسانه‌ها می‌تواند انجام شود؟
 - برای تشویق رسانه‌ها به کمک در مبارزه با بیگانه‌ستیزی چه کاری می‌توان انجام داد؟
 - برای توسعه مشارکت فعال برای کودکان، در رسانه‌ها چه کاری می‌توان انجام داد؟
- برای تحقق خواسته‌های فوق چندین توصیه و دستورالعمل تصویب شد:
- رسانه مخصوص کودکان ایجاد شود؛
 - انجمن‌های مخصوص کودکان در اینترنت ایجاد شود؛
 - کتابخانه فعال برای کودکان ایجاد شود؛

- حمایت دولت‌ها از ایجاد و تقویت رسانه‌ها برای کودکان است؛
- توافقات سازنده با شرکت‌های رسانه‌ای برای محافظت از کودکان در برابر تأثیرات مضر؛
- طرح جامع ملی اقدام به توانمندسازی پدر و مادر در بازار رسانه‌ها توسط دولت‌ها؛
- حمایت دولت‌ها از رسانه‌های کودکان در اجرای ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک
- تدوین رهنمودهای خاص برای گزارش در مورد کودک آزاری؛
- ایجاد شبکه رسانه‌های دیدبان و ناظر (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۶) (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

۴-۶- اثر سواد رسانه‌ای

از مهمترین راهکارهای کاهش آثار نامطلوب رسانه بر کودکان، توجه به سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌هاست که هرکس می‌تواند یاد بگیرد، همان‌طور که سواد خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرد. سواد رسانه‌ای، اشاره به توانایی برای دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ایجاد همه انواع پیام‌های رسانه‌ای دارد. این مهارت‌های ضروری در جهان امروز است. امروزه، بسیاری از مردم، بخش زیادی از اطلاعات خود را از طریق ترکیب پیچیده‌ای از متن، تصویر و صدا دریافت می‌کنند.

جوانان و بزرگسالان با سواد رسانه‌ای، بهتر قادر به کشف پیام‌های پیچیده‌ای هستند که از تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجلات، کتاب‌ها، آگهی‌نماهای تبلیغاتی، علائم، بسته‌بندی، مواد بازاریابی، بازی‌های ویدئویی، موسیقی ضبط‌شده، اینترنت و رسانه‌های دیگر دریافت می‌کنند. آنها می‌توانند درک کنند که چگونه این پیام‌های رسانه‌ای ساخته شده است و همچنین کشف نمایند چگونه آنها معمولاً به‌طور پنهانی و در لایه‌های زیرین، معانی را می‌آفرینند (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

والدین با الگوسازی و انتقال مفاهیم منفی، با بهره‌گیری از الگوهای مناسب می‌توانند زمانی را که کودکانشان صرف تماشای تلویزیون می‌کنند که نباید بکنند، با رسانه‌های دیگر و فعالیت‌های مطلوب‌تری دیگری جایگزین نمایند؛ مانند: مطالعه، ورزش، بودن در جمع دوستان، فعالیت‌های اجتماعی و

اگر هر یک از والدین در ساعات معین و کنترل‌شده‌ای برنامه خاص خود را نگاه کنند،

این رفتار برای فرزندان الگو می‌شود. آنگاه درک این نکته که فرزندان باید منظم و براساس برنامه تلویزیون را ببینند، راحت‌تر و ملموس‌تر خواهد بود (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴، ص. ۹۰).

۷- ویژگی‌های چالش‌برانگیز فضای مجازی

هیچ عقل سلیم و انسان فرهیخته‌ای مزایا و فواید این رسانه فراگیر و کاربردهای مثبت آن را انکار نمی‌کند، بلکه این امر قبل از هرچیز، مستلزم آگاهی والدین از مسائل روز و آشنایی با پدیده اینترنت می‌باشد تا علاوه بر دادن آگاهی‌های لازم به فرزند خود، او را در استفاده از خدمات مثبت اینترنتی، یاری دهند؛ بنابراین حداقل کاری که والدین می‌توانند انجام دهند، کنترل و نظارت نامحسوس بر نحوه استفاده فرزندشان از این وسیله می‌باشد. چراکه یکی از زیان‌های اینترنت، آشنایی بچه‌ها با اموری است که مناسب حال و سن و سال آنها نیست (سیدمیرزایی؛ شاه‌رخ و قطبی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۵-۱۰۶).

همان‌طور که بیان شد، محیط رسانه‌ها و فضای مجازی و به‌خودی‌خود، خطرساز و آسیب‌زا نیستند، بلکه استفاده نادرست از آن و بهره‌گیری از آن در راستای اهداف شیطانی و ضددینی توسط برخی جوامع، باعث ایجاد مشکلات در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در بحث تربیت شده است. برخی از ویژگی‌های رسانه و فضای مجازی زمینه را برای سوءاستفاده از آن فراهم آورده است. در این قسمت به برخی از این ویژگی‌ها اشاره خواهد شد.

۷-۱- در خطر بودن حریم خصوصی افراد

یکی از چالش‌های فضای مجازی در خطر بودن حریم خصوصی افراد است. با ورود فناوری‌های هوشمند به صحنه‌های فضای مجازی و ارتقای سطح هوش این فناوری‌ها، فرایند آینه‌ای و شفاف شدن فضای رابطه، به درجه‌ای خواهد رسید که دیگر هیچ حریمی در عرصه زندگی فردی و جمعی، خصوصی نخواهد ماند. حریم خصوصی به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که احترام به آن امروزه از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان، ضمانت‌های قانونی پیدا کرده، اما با گسترش شبکه وب، این حق

با تهدیدات جدی و فراملی مواجه شده است.

۷-۲- هویت دروغین

پنهان بودن واقعیت و دروغین بودن هویت، یکی دیگر از چالش‌های مهم فضای مجازی است. کاربر در فضای مجازی، همواره با مخاطبانی روبروست که هویت اصلی آنها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به همین دلیل مسئله اول در موضوع اخلاقی در محیط مجازی این است که هویت چگونه تعریف شود و اینکه رویکرد کوچ کردن انسان به فضای دیجیتال در کدام چارچوب فرهنگی - فکری صورت می‌گیرد. تنازع اساسی بین بقای انتزاع فرد و اظهار به غیر، پایه همه تقلباتی است که در فضای سایبر صورت می‌گیرد و اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷-۳- نابودکننده اخلاق اسلامی

یکی دیگر از چالش‌ها یا به نقلی مهمترین چالش فضای مجازی، به خصوص در عرصه تربیت، زمینه‌سازی برای از بین بردن عفت عمومی و نابود کردن ریشه‌های اخلاقی است. رشد و گسترش اینترنت و تنوع کاربردها و نیز کاربران موجب شد تا نوع دیگری از جرایم در محیط اینترنت شکل گیرد (باقری اصل، ۱۳۹۰، ص ۷۹۰). امروزه شبکه‌های اجتماعی سرشار از بی‌عفتی و ترویج مباحث و مسائل ضد اخلاقی است و این مسئله به شدت تربیت را تحت تأثیر خود قرار داده و به راحتی تغییرات اخلاقی کاربران، به ویژه کودکان بعد از ارتباط با فضای مجازی قابل ملاحظه است؛ به عنوان مثال یکی از جرائم اخلاقی در فضای مجازی هرزه‌نگاری است. می‌توان گفت هم‌اکنون اینترنت هم با فراهم آوردن و در دسترس قرار دادن مجموعه عظیمی از تصاویر، ویدئوها و دیگر اشکال رسانه‌ای هرزه‌نگارانه، انقلاب جنسی دیگری را به وجود آورده است. این حجم از اطلاعات ناصواب، بی‌تردید حیای انسانی را هدف قرار داده و ریشه‌ای‌ترین عنصر تربیت را در معرض نابودی قرار می‌دهد.

ارتباط با فضای مجازی آثار سوء و مخربی بر اخلاق کاربران به ویژه کودکان و نوجوانان که هنوز شخصیتشان به طور کامل شکل نگرفته است، می‌گذارد. محیط‌های

مجازی در معرض آسیب‌های ضداخلاقی بوده و همه جوامع انسانی بر ضداخلاقی بودن آن اشتراک نظر دارند که می‌توان از آن به «دایره ممنوعات جهانی» تعبیر کرد. فحشا و تصاویر اغواکننده، قمار، دزدی هویت، هک کردن، پست‌های الکترونیک دروغی به‌منظور اغوای مالی دیگران و دیگر جرم‌های مجازی، اموری است که همگان آن را جرم و ناهنجاری اجتماعی می‌دانند.

۷-۴- ترویج فرهنگ برهنگی

یکی دیگر از آثار سوءاستفاده از فضای مجازی، ترویج فرهنگ برهنگی و ازبین‌رفتن قبح روابط غیراخلاقی در بین نوجوانان و جوانان است. امروزه فضای مجازی، فضایی آکنده از عکس، فیلم و متون غیراخلاقی و مستهجن است که همه‌وهمه کاربران را به‌نوعی تهدید می‌کند و این مسئله، به‌شدت کار تربیت، به‌ویژه در ساحت تربیت دینی و اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشکل خواهد کرد. در بخش اول بیان شد که آیت‌الله تهرانی حیا را زیربنای تربیت می‌داند و یقیناً فرهنگ برهنگی یکی از عناصر مهم مقابله با حیا در افراد است. بررسی‌های محققان نشان می‌دهد فضای مجازی، آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی را پیش روی کار تربیت، به‌ویژه تربیت دینی و اخلاقی قرار داده است، خاستگاه غربی داشتن فضای مجازی، نامحدود بودن و کنترل نکردن فضای مجازی، تضاد فرهنگ‌ها در فضای مجازی، نبود امنیت اطلاعاتی و در خطر بودن حریم خصوصی کاربران، مجازی بودن حقیقت در فضای مجازی و عدم تشخیص هویت، گسترش جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و سرمایه‌گذاری دشمن در جبهه فضای مجازی و جنگ نرم و... از جمله چالش‌های فضای مجازی است (احمدوند؛ تقی‌زاده قوام، غلامی هره‌دشتی، ۱۳۹۷). اینترنت یکی از مواردی که کنترل آن موجب پیشگیری از بلوغ زودرس و تحریک جنسی فرزندان می‌شود.

۸- راهکارهای تربیت دینی و اخلاقی در فضای مجازی

دشمن، سایت‌های ضداخلاقی را برای بازی گرفتن فرزندان ما طراحی کرده است. دشمن نمی‌خواهد فکر جوان ما فعال باشد. او بعد از دیدن صحنه‌های ضداخلاقی، تا چند ساعت قدرت تفکر و نشاط برای انجام کارهای مفید و عبادی نخواهد داشت؛ حال او با چنین فکر

بیماری که دائماً در اختیار چنین برنامه‌هایی است، چگونه می‌تواند به دنبال کسب علم و فضایل اخلاقی باشد؛ بنابراین قبل از هرچیز، باید از انتشار ویروس گناه در فکر جوان جلوگیری کنیم (سیدمیرزایی؛ شاهرخی و قطبی، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

از آنجاکه آموزه‌های دین اسلام با توجه به الهی بودن سرچشمه آن، تناسب آن با فطرت بشر، حکیمانه و جاودانه بودن اسلام و همه‌جانبه بودن آن در همه ابعاد زندگی، کامل‌ترین و بهترین آموزه‌های آسمانی است و برای قاعده‌مند کردن کل هستی آمده است، برای یافتن کدها و راهکارهای تربیتی در فضای مجازی، باید نگاهی نیز به راهکارهای تربیتی اسلام در فضای فیزیکی داشت؛ زیرا کدها و قواعد اخلاقی ناظر بر فضای عمومی مجازی جدا از کدهای اخلاقی فضای عمومی در جهان فیزیکی نیست. باید راهکارهای عملی اسلام برای سالم‌سازی محیط تربیتی را استخراج کرده و در میدان‌های تربیتی فضای مجازی عملیاتی ساخت. علاوه بر این برخی اقدام‌هایی که جنبه زمینه‌سازی و بسترسازی برای استفاده بهینه از فضای مجازی دارند، نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در ادامه به برخی از راهکارهای بهبود شرایط تربیتی فضای مجازی اشاره می‌شود.

۸-۱- فرهنگ‌سازی استفاده بهینه و درست از امکانات فضای مجازی

یکی از زمینه‌های چالش برانگیز تربیت در فضای مجازی، عدم فرهنگ‌سازی کافی و به موقع برای استفاده صحیح از امکانات فضای مجازی است. نبود فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی، باعث استفاده‌های بی‌رویه، بدون برنامه‌ریزی و در مواردی باعث سوءاستفاده از آن شده است. با وجود این نباید به وضع موجود رضایت داد و همه مسئولان فرهنگی باید برای بهبود فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی تلاش کنند، چراکه اگر به وضعیت موجود رضایت بدهیم در قبح و گناه آن شریک خواهیم بود. یکی از راهکارهای مهم در زمینه اصلاح محیط تربیتی، فضای مجازی فرهنگ‌سازی است. اگر بتوانیم سطح فرهنگ مخاطبان و کاربران به‌ویژه کودکان را در مواجهه با فضای مجازی ارتقا بدهیم، تا حد زیادی کار تربیت موفق خواهد بود. اهمیت این امر به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری درباره فرهنگ‌سازی تصریح کرده‌اند که باید ما به دنبال این باشیم

فرهنگ زندگی را تبیین و تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی در این زمینه، توجه به تعقل و تفکر و عقلانیت است که در نظام تربیتی اسلام عقل و پرورش عقلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیات قرآن با تعبیر گوناگونی از این بعد ارزشمند سخن می‌گوید. قرآن با واژه «اولوالباب» در موارد بسیاری از خردمندان ستایش کرده است و به فرموده علامه طباطبایی مراد از عقل در کلام خدای تعالی آن ادراکی است که با سلامت فطرت برای انسان دست دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۲۵۰-۲۴۹)؛ بنابراین یکی از راهکارهای مهم و کارآمدی که می‌توان در عرصه فرهنگ‌سازی از فضای مجازی استفاده کرد، توجه دادن به ابعاد معنوی و حکمت خلقت انسانی است و اینکه انسان به دلیل عقلانیت و تفکر، هیچگاه نباید از حریم قوانین الهی خارج شود.

اینترنت در جامعه ما هنوز به دلیل تأخیر فرهنگی و نبود سواد کافی اینترنتی میان دانش‌آموزان، کارکردهای اصلی و مهم خود را به‌دست نیاورده است. فرهنگ‌سازی استفاده بهینه از فضای مجازی به‌نوعی همان ایجاد حس مسئولیت‌پذیری بابت انتخاب گزینه‌های سالم به هنگام استفاده از اینترنت است.

۸-۲- آشنا کردن متولیان تربیت با فضای مجازی

یکی دیگر از دلایل چالش‌برانگیز در مسئله تربیت در فضای مجازی ناآشنایی متولیان تربیت با فضای مجازی و خطرهای آن است. امروزه به‌دلیل گسترش سریع فناوری، کمتر والدین و معلمان را می‌توان یافت که با ضررها و خطرهای فضای مجازی آشنا باشند و برای رهایی از آن خطرها برنامه و راهکار عملی داشته باشند. این نکته نیز مهم است که متولیان تربیت در قبال چالش‌های تربیت در فضای مجازی مسئولند و باید برای برطرف کردن این چالش‌ها هر چه سریعتر اقدام کنند (حکیمی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). اگر خانواده و سایر متولیان تربیت برنامه‌ای برای تربیت دینی و اخلاقی فرزندان نداشته باشند، حضور کودکان در فضای مجازی حکم همنشینی با اشرار را پیدا خواهد کرد که زمینه‌ساز بدگمانی می‌شود. پس مسئله آشنا کردن خانواده با فضای مجازی و خطرات آن، خود

یکی از مباحث مهم تربیت در فضای مجازی است که باید هر چه سریعتر مورد توجه قرار گیرد، چرا که خانواده اولین و مهمترین کانون تربیت است که اگر در آن مسائل تربیتی مورد توجه قرار گیرد، گام بزرگی در راستای تربیت فرزند برداشته شده است. اگر در دوران کودکی و قبل از شکل گرفتن شخصیت یک فرد، کار تربیتی آغاز شود، بالطبع تربیت موفق‌تری حاصل خواهد شد. والدین باید برای تربیت دینی و اخلاقی فرزندان خود برنامه داشته باشند و متناسب با سن آنها، زمینه را برای تربیت دینی کودکانشان فراهم کنند. پیشتر بیان شد که سنین کودکی مانند زمینی مناسب برای کشاورزی است.

۸-۳- تولید و توسعه تولیدات فرهنگی مناسب در فضای مجازی

یکی دیگر از زمینه‌های چالش‌برانگیز در فضای مجازی در عرصه تربیت، حجم کم برنامه‌های سالم و متناسب با فرهنگ ملی و اسلامی، در مقایسه با حجم برنامه‌های مخرب فضای مجازی است. حضور مصلحان دلسوز در فضای مجازی را نمی‌توان نادیده انگاشت، اما حضور مخربانه شیطان‌صف‌تان و فساق ظاهرالصلاح، به شدت فضای مجازی را تحت کنترل خود گرفته است.

در مقابله با این چالش، بهترین راهکار جایگزینی فرهنگی و توسعه و تولید محصولات فرهنگی متناسب با دین در فضای مجازی است. نظارت و همراهی با فرزندان در استفاده از فضای مجازی خطرناک و آسیب‌های اینترنت که همه کاربران در معرض آن قرار دارند، برای کودکان خطری مضاعف محسوب می‌شود، چراکه شرایط سنی، امکان مواجهه درست با این خطر را برای آنها مشکل‌تر می‌کند. قرار گرفتن در معرض محتوای هرزه‌نگارانه، تنها یکی از این خطرها است. در مقابله با این چالش، یکی از راهکارهای کارآمد، نظارت و همراهی والدین با فرزندان در استفاده از فضای مجازی است، بدیهی است که اگر خودکنترلی از سوی فرزندان و نظارت از سوی والدین نباشد، امکان فساد و تباهی فراهم می‌شود.

خانواده‌ها می‌توانند نقش زیادی در نظارت بر استفاده فرزندان از اینترنت داشته باشند و از گرفتار شدن آنها در آسیب‌های اینترنتی از جمله هرزه‌نگاری جلوگیری کنند. البته چنان‌که

قبلاً نیز بیان شد، به این منظور باید سواد رسانه‌ای خانواده را هم ارتقا بخشید.

۸-۴- ترغیب به استفاده کمتر از فضای مجازی و ایجاد جایگزین

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در تارنماهای اینترنتی می‌گذرانند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند، چراکه فرد دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار می‌گذارد و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورد. درواقع اگر پیشتر بیان شد محیط اطراف و جغرافیایی در تربیت دخیل هستند امروز باید فضای مجازی را نیز به این امر اضافه کرده و دایره جغرافیای تربیتی را تا فضای مجازی توسعه داد.

بررسی محققان نشان می‌دهد شاید هیچ‌گاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود آگاه نباشند و در صورت آگاهی آن‌را تأیید نکنند، اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق می‌کند و مانع از ارتباط اجتماعی او با محیط فیزیکی اطراف می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای بهبود محیط تربیتی فرزندان، ترغیب به استفاده کمتر از فضای مجازی و حضور بیشتر در محیط‌های حقیقی و فیزیکی و شرکت در بازی‌های گروهی باشد.

۸-۵- تقویت عقاید و باورهای دینی

بهترین راهکاری که در مواجهه با آسیب‌ها و چالش‌های فضای مجازی می‌توان ارائه داد، تقویت عقاید و باورهای دینی است. این راهکار عمومی است و هر انسان متعهدی باید خود را مجهز به این سلاح کند. در مقام تربیت باید چنان تربیت شد که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد، یکی از کارآمدترین راه‌ها برای مقابله با نکات منفی فناوری اطلاعات در فضای مجازی تربیت افراد براساس اخلاق اسلامی و دینی است که افراد از درون کنترل می‌شوند. یعنی التزام قلبی پیدا می‌کنند که به طرف کارها یا موارد ناشایست نروند. از نظر تربیتی اسلام این است که ابتدا باید به تربیت افراد همت گماشت تا جامعه هم تربیت شود؛ زیرا این افراد هستند که جامعه را می‌سازند.

اگر کودکان، معتقد و متخلق به اخلاق دینی تربیت شوند، ملکه‌های اخلاقی نهاده شده در وجود فرد، او را از رفتارهای ضداخلاقی در فضای واقعی و مجازی بر حذر خواهد داشت. اگر فضای مجازی را مقید به حوزه دین کنیم در این صورت کاربران و ساکنان این دنیای مجازی متأثر از آموزه‌های دینی صبغه‌های اخلاقی خود را خواهند داشت. در این صورت بروز و ظهور ملکات اخلاقی که ثمره تقوا و پرهیزکاری است در فضای دینی مجازی قابل درک و مشاهده خواهد بود.

۸-۶- بصیرت‌بخشی

یکی از دیگر راهکارهای کارآمد مقابله با چالش‌های تربیت در فضای مجازی، بصیرت‌بخشی و آگاهی دادن به دانش‌آموزان است. بسیار واضح و روشن است که بسیاری از فعالیت‌های تخریب‌گرایانه فرهنگی - مذهبی که در فضای مجازی صورت می‌پذیرد، از سوی جبهه دشمنان اسلام، دین و معنویت طراحی و عرضه شده است و هدف آنها نیز دور کردن دانش‌آموزان مسلمان از معارف ناب اسلام و روی آوردن به اسلام آمریکایی و تضعیف عقاید دانش‌آموزان است. حال اگر دانش‌آموزی که قصد استفاده از فضای مجازی را دارد، این مسئله را به‌خوبی بداند، درمقابل آن جبهه گرفته و هرگز تحت تأثیر این‌گونه آسیب‌ها قرار نخواهد گرفت.

۸-۷- بهره‌گیری از اصول تربیتی اسلامی

از دیگر راهکارهای تربیت در فضای مجازی، بهره‌گیری از اصول تربیتی اسلامی است. بررسی آیات قرآن کریم و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، اصول، ضوابط و قواعد بسیاری را در عرصه تربیت تبیین می‌کنند که همین اصول می‌تواند در عرصه تربیت در فضای مجازی نیز مورد استفاده قرار گیرند. اصولی مانند تشویق، تنبیه، تکرار، تذکر و ... در این روش والدین و مربیان می‌توانند با توجه به شرایط مخاطب او را به استفاده بهینه از فضای مجازی تشویق کنند و در صورت نیاز او را مورد بازخواست و تنبیه قرار دهند. درواقع هنگامی که فرزندان از جنبه‌های مثبت اینترنت استفاده می‌کنند مورد تحسین قرار گیرند تا در دفعات بعدی به این روند ترغیب شوند (احمدوند؛ تقی‌زاده قوام، غلامی هره‌دشتی، ۱۳۹۷). به

یقین با توجه حساسیت بحث در این مورد حتماً باید از علمای عامل و ربانی بهره جست و از برداشت‌های عالمانه آنان پیرامون روایات استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه تربیت از امور قصديه نیست و به‌صورت ناخودآگاه و به‌خصوص به‌طور دیداری شکل می‌گیرد، از این‌رو باید در مورد استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌شدت محتاط بود چرا که بیان شد این‌گونه رسانه‌ها به‌دلیل تعاملی بودن تأثیر شگرفی بر انسان می‌گذارد و لذا هم مربی و سپس مربی بایستی به‌طور آگاهانه استفاده از آن را مدیریت کنند تا در برابر آثار مخرب اخلاقی آن قرار نگیرند. روشن است اگر مربی در این گرداب گرفتار شود، توان تربیتی نخواهد داشت.

یکی از عوامل مؤثر و ریشه‌ای در تربیت، حیاست و ازسوی‌دیگر این نوع رسانه‌ها به‌شدت حیازدایی می‌کنند، این بدین‌معناست که هم مسئولین (امرا) باید در کنترل و مدیریت این فضا به فکر باشند و هم علما با تذکرها و کار فرهنگی، مردم را به حیا سوق داده و از تأثیرهای ضدعفت و حیا رسانه‌ها آگاه کنند و ازسویی والدین نیز ضمن مراقبت از حیای خویش، از حیای کودکان خود در مواجهه با این رسانه‌ها محافظت بیشتری نمایند. در جمع بودن، صمیمی بودن با یکدیگر، تفریحات سالم غیردیجیتال و ... از راه‌های مقابله با این موج حیازدایی است.

به‌نظر می‌رسد می‌توان با دقت بیشتر بر آثار و سخنان بزرگانی مانند آیت‌الله تهرانی، با ریشه‌یابی دقیق مسائل تربیتی، راهکارهای عمیق و نافذی برای تربیت کودکان در دوران معاصر یافت که هم در چارچوب اخلاق و تربیت الهی باشد و هم یا دنیای امروز تطابق داشته باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم و کارکرد رسانه نوین و شکل‌گیری ارتباطات علمی در بستر آن، *گفت‌مان علم و فناوری*، دوره ۱، ش ۵، صص ۲۳۲-۲۵۴.
- احمدوند، کبری؛ تقی‌زاده قوام، زهرا و غلامی هره‌دشتی، سهیلا (۱۳۹۷)، *کارکردها و چالش‌های فضای مجازی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی*، نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (فضای مجازی و فلسفه تربیت).
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، قم: بوستان کتاب.
- باقری، خسرو (۱۳۷۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- باقری اصل، رضا (۱۳۹۰)، «تبیین قانون جرایم رایانه‌ای»، مجموعه مقالات فضای مجازی ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، یونس شکرخواه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۹۸-۸۹.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *ادب الهی، کتاب پنجم*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *ادب الهی، کتاب دوم*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *ادب الهی، کتاب سوم*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.

تهرانی، مجتبی (۱۳۹۲)، *ادب الهی، کتاب یکم*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.

تهرانی، مجتبی (۱۳۹۴)، *ادب الهی، کتاب چهارم*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.

حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الواضح*، بیروت: دار الجیل الجدید.

حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله وسلم*، قم: جامعه مدرسین.

حکیمی، محمد (۱۳۹۱)، *فرازهایی از سخنان امام رضا (علیه السلام)*، دفتر پنجم، مشهد: انتشارات آستان قدس.

ذکایی، محمد سعید و خطیبی، فاخره (۱۳۸۵). «بررسی رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی». *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۳۳، صص ۲۰-۳۵.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ قرآن*، دمشق و بیروت: دارالقلم - الدار الشامیه.

سیدمیرازی، داود؛ شاهرخی، علی و قطبی، هادی (۱۳۸۴)، *آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان* (چاپ چهاردهم)، قم: انتشارات احمدیه.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عظیمی، محمد حسن و شکرخواه، یونس (۱۳۹۴)، *کودک، رسانه و ارتباط متقابل، فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ش ۱، صص ۶۹-۹۴.

قلی‌زاده کلان، فرض‌الله (۱۳۷۶)، *کودکان؛ آیینہ رفتار والدین*، قم: معصومی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مایر، فردریک (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران: انتشارات سمت.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار* (ط - بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت
علیهم السلام.